دریچه

مسئول چالش‌های زنان در شهرها کیست؟

گاهی یک کوچه تاریک، مسیر ناامن پارک یا نبود امکان رفت‌وآمد مناسب در محله برای یک زن به‌معنای حذف شدن از بخشی از زندگی شهری است. مسئله اما فقط کمبود امکانات نیست. وقتی قرار است مشکلی برطرف شود، معلوم نیست کدام دستگاه باید دست به‌کار شود. یکی مسئولیت را به شهرداری حواله می‌دهد و دیگری از نبود بودجه و متولی مشخص حرف می‌زند. حالا وزارت کشور می‌خواهد برای پایان دادن به این پاس‌کاری‌ها، در شهرداری‌های کشور یک مسئول مشخص برای امور زنان و خانواده تعیین کند.

پروین داندیش، مشاور امور زنان و خانواده وزیر کشور از نهایی شدن دستورالعمل ایجاد ساختار امور زنان و خانواده در شهرداری‌ها خبر داده و گفته است این دستورالعمل در آستانه ابلاغ قرار دارد. به گفته او، از سال گذشته پیگیری این موضوع آغاز شده، چراکه در بسیاری از شهرداری‌ها برای مسائل اجتماعی و فرهنگی متولی وجود دارد، اما امور زنان و خانواده مسئول مشخصی ندارد. داندیش برای توضیح ضرورت این تصمیم به مشکلاتی اشاره می‌کند که در ظاهر ساده‌اند، اما حل آنها میان چند دستگاه گرفتار می‌شود. مثلا اگر قرار باشد روشنایی یک محله برای امنیت بیشتر زنان بهبود پیدا کند یا شرایط رفت‌وآمد آنها تسهیل شود، نبود مسئول مشخص و بودجه معین می‌تواند اجرای طرح را به تعویق بیندازد. قرار است ساختار جدید ضمن مشخص کردن مسئولیت‌ها، مانع موازی‌کاری دستگاه‌ها شود. به گفته او، قرار است این ساختار در هفته بزرگداشت مقام زن رونمایی شود و با همکاری حدود ۵شهرداری کلانشهرها نشست هم‌اندیشی برای هماهنگی و اجرای آن برگزار شود: «تجربه تهران که مرکز امور زنان و خانواده در شهرداری دارد، الگویی برای توسعه این ساختار در سایر شهرهاست.» اما برنامه وزارت کشور فقط به ایجاد یک تشکیلات اداری محدود نمی‌شود. داندیش معتقد است عملکرد مدیران امور زنان در استان‌ها باید با تغییرات واقعی در زندگی زنان سنجیده شود؛ از بهبود فرصت‌های اشتغال و مشارکت اجتماعی گرفته تا ارتقای امنیت زنان در شهرها. به همین دلیل، قرار است مدیران استانی درباره میزان پیشرفت این شاخص‌ها گزارش دهند.



اصل و شرح

۳ واسطه‌های قلابی

در فضای مجازی تبلیغات زیادی برای واسطه‌گری وام ازدواج می‌شود که مقصود از آن دلالی و خریدوفروش وام است. با این حال بانک مرکزی و نهادهای مسئول دیگر تأکید می‌کنند که به‌جز سامانه اینترنتی https://ve.cbi.ir هیچ روش دیگری برای تقاضای وام وجود ندارد. در نخستین گام، متقاضی باید با مراجعه به این سامانه، اطلاعات هویتی خود و همسرش، مشخصات سند ازدواج، کد ملی، تاریخ عقد و استان و شهر محل دریافت تسهیلات را وارد کند. پس از ثبت اطلاعات، یک کد رهگیری صادر می‌شود و در ادامه، متقاضی باید به‌صورت دوره‌ای وضعیت درخواست خود را در همان سامانه بررسی کند. پس از تعیین بانک و شعبه عامل، پیام معرفی برای وی صادر می‌شود و متقاضی باید در مهلت اعلام‌شده به شعبه مراجعه کند. متقاضی در مواردی می‌تواند خودش هم شعبه را انتخاب کند یا در صورتی که با شعبه به توافق نرسید آن را تغییر دهد. بعضی از کسانی که در فضای مجازی برای وام ازدواج تبلیغات می‌کنند، بابت معرفی شعبه‌های پرظرفیت و درواقع برای سریع‌تر وام گرفتن، مبالغی از متقاضیان می‌گیرند.

این وام ماه‌عسل ندارد

انتظار طولانی برای دریافت وام ازدواج همچنان زوج‌های جوان را آزار می‌دهد

جامعه امروز

محمد سرابی | روزنامه‌نگار | زوج‌های جوان به‌عنوان متقاضیان دریافت تسهیلات ازدواج باید مراحل ثبت‌نام اینترنتی، انتظار برای معرفی به شعبه و تکمیل مدارک را پشت سر بگذارند؛ فرایندی که بسته به شرایط بانک‌های عامل ممکن است از چند هفته تا چندماه به طول بینجامد. مراجعه میدانی همشهری به چند شعبه بانک نشان داد که تأخیر در پرداخت این وام ۶۰۰میلیون تومانی شرایط متغیر و نامشخصی به‌وجود آورده است.



۱ دولتی یا خصوصی

در خیابان ولیعصر بین خیابان‌های انقلاب و فاطمی ۱۹شعبه بانک ملی، ملت، سپه، صادرات، گردشگری، پاسارگاد، مسکن و... وجود دارد که ۴شعبه آن درون مجتمع‌های فروش لوازم الکترونیک و دیجیتال قرار گرفته است. در یک بررسی میدانی از این شعبه‌ها سؤال کردیم که آیا وام ازدواج پرداخت می‌کنند یا خیر؟ تقریبا تمام شعبه‌ها امکان پرداخت وام ازدواج دارند اما نه به این زودی. از کارمند پشت گیشه یکی از این بانک‌ها سؤال می‌کنیم که چطور می‌شود سریع‌تر وام گرفت؟ او جواب می‌دهد: «در ثبت‌نام اینترنتی وقتی شعبه را انتخاب کنید مشخص می‌شود که موجودی بودجه کافی برای وام دارد یا خیر. اگر بودجه کافی نباشد پیام خطا ظاهر می‌شود؛ یعنی باید شعبه دیگری را انتخاب کنید، اما نمی‌شود فهمید کی وام حاضر می‌شود. ممکن است بین یک‌ماه تا حتی ۶ماه طول بکشد.»

با اینکه منطقه مرکزی شهر بیشتر با واحدهای تجاری روبه‌رو است اما وام‌های ازدواج به این شعبه‌ها هم فرستاده می‌شود. از کارمند شعبه دیگری سؤال می‌کنم. به‌تازگی زوجی برای دریافت وام ازدواج به اینجا مراجعه داشته‌اند که ۶ماه قبل ثبت‌نام و اکنون پیامک مراجعه را دریافت کرده‌اند. او می‌گوید که ظرفیت هر شعبه متفاوت است و در یک شعبه ممکن است تا چندصد نفر بتوانند وام بگیرند. در بانک بعدی به سراغ رئیس شعبه می‌رویم که میزش را نه دور از مراجعان بلکه کنار در ورودی قرار داده است. وقتی از وام ازدواج می‌پرسیم، می‌گوید: «بانک‌های دولتی و خصوصی ۲شیوه متفاوت برای وام‌دادن دارند. بانک‌های دولتی راحت‌تر ضامن قبول می‌کنند و شرایط ساده‌تر و البته صف طولانی‌تر دارند و دیرتر وام می‌دهند و زوج‌ها ممکن است چندماه معطل شوند. بانک‌های خصوصی زودتر وام می‌دهند، اما شرایط سختی برای قبول کردن ضامن دارند. اگر ضامن معتبری مانند کارمند استخدامی دولتی با گواهی کسر از حقوق داری، بهتر است سراغ بانک‌های خصوصی بروی، مخصوصا بانک‌های کوچک‌تر.» با گواهی کسر از حقوق کارمند دولت راحت‌تر می‌شود از بانک‌های خصوصی وام گرفت، اما اگر چنین ضامنی نداشته باشید باید با شرایطی مانند «سالمند» نبودن ضامن و برخی سختگیری‌های دیگر کنار بیایید.

۲ صف طولانی متقاضیان

مبلغ وام ازدواج برای هریک از زوجین ۳۰۰میلیون تومان تعیین شده و برای زوج‌هایی که شرایط سنی مقرر در قانون را دارند، یعنی پسر زیر ۲۵سال و دختر زیر ۲۳سال، این مبلغ به ۳۵۰میلیون تومان برای هر نفر هم می‌رسد. نرخ کارمزد این تسهیلات ۴درصد است. اوایل امسال بانک مرکزی از افزایش ۷۵درصدی سقف منابع تسهیلات قرض‌الحسنه ازدواج در سال ۱۴۰۵ خبر داده و هدف از این اقدام را کاهش صف متقاضیان و تسریع در پرداخت وام عنوان کرده است. گزارش‌های مجلس، اظهارات برخی نمایندگان و تجربه تعدادی از متقاضیان نشان می‌دهد که صف‌های طولانی و تأخیر در پرداخت این تسهیلات همچنان ادامه دارد. برخی بانک‌های عامل نیز کمبود منابع یا محدودیت‌های اجرایی را از دلایل کندی روند پرداخت اعلام کرده‌اند. در سامانه بانک مرکزی هم تأکید شده است که تعداد زیاد متقاضیان باعث کندی روند پرداخت وام شده است. وزارت ورزش و جوانان شهریور امسال اعلام کرد با همکاری کمیسیون بودجه مجلس، بانک مرکزی و دولت امسال مطالبات سال قبل پرداخت می‌شود و در سال ۱۴۰۶ پرداخت وام ازدواج بیش از ۳ماه طول نمی‌کشد.

داده نما

۱۰۰هنرستان در جوار صنعت

کارخانه‌های بزرگ برای تأمین نیروی انسانی به تأسیس هنرستان‌های صنعتی کمک می‌کنند

۱۰۰ هنرستان
در جوار صنایع و کارخانه‌های بزرگ کشور فعالیت می‌کنند.

۸۷ هنرستان
تا سال ۱۴۰۴ در کنار کارخانه‌ها تأسیس شده بود.

۵۰ درصد
براساس برنامه هفتم توسعه باید نیمی از دانش‌آموزان متوسطه دوم در هنرستان تحصیل کنند.

۶۲۰ میلیارد تومان
اعتبار به تأمین تجهیزات هنرستان‌های دولتی اختصاص یافته است.

صفحه‌آرا: حامد یزدانی



وعده خانم‌معاون برای لایحه منع خشونت

اردیبهشت سال گذشته خبر آمد که لایحه منع خشونت علیه زنان، به‌دلیل اختلاف نظرهای دولت و نمایندگان مجلس به بن‌بست رسید و دولت استرداد آن را مطرح کرد. این روزها همزمان با پرونده سوگند صیادی و پررنگ‌شدن مطالبه برای تعیین سرنوشت این لایحه در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌ها، گویا مسئولان نقش‌آفرین هم چنین لایحه‌ای را به یاد آوردند. زهرا بهروز آذر، معاون رئیس جمهور در جدیدترین واکنش اعلام کرد: «اگر نمایندگان مجلس همان متن توافق‌شده را به رسمیت بشناسند، ما روند استرداد را متوقف می‌کنیم، در غیر اینصورت، حتما لایحه رومینا را که ناظر بر اصلاح مواد۶۱۲ و۶۱۴ است، به مجلس خواهیم فرستاد.»

مکث

برخاسته از دلارام و بازگشته به آن

مهستی کریمی‌زند یکی از پزشکانی است که اصالتی ترارانی دارد و متخصص بیماری‌های داخلی است. او که با وصیت پدرش نزدیک ۱۶سال در بیمارستان تفرش کار کرده و حالا ساکن تهران است، می‌گوید: «زمانی تحصیل را شروع کردم که ابتدای جنگ بود و من تصمیم گرفتم پزشکی بخوانم. می‌خواستم از این طریق به مردم کمک کنم. شاید همین روحیه کمک به همنوع و تأثیرگذار بودن، دلیل این تعداد بالای پزشک در تراران باشد.» کریمی‌زند از اقوامش می‌گوید که یکی از آنها پروفسور پارسا، پیشکسوت دانش گیاهشناسی نوین ایران است و دیگری دایی پدرش دکتر شب‌افروز جزو نخستین دندانپزشکان ایران و پایه‌گذار بخش دندانپزشکی دانشگاه تهران. وقتی کریمی‌زند حرف می‌زند، بیشتر عیان می‌شود که با این همه پزشک تراز اول در خانواده انگار راهی جز پزشک شدن نداشته: «شاید علاقه باشد، شاید هم استعدادی خاص اما آن منطقه کلا به تحصیل بسیار اهمیت می‌دادند و حتی پدر بزرگ و مادربزرگ من باسواد بودند.» این روزها کریمی‌زند همراه اردلان زیلابی، همسر خود که او نیز پزشک است از فرصت هر تعطیلاتی برای ارائه خدمات پزشکی رایگان به اهالی دلارام استفاده می‌کند: «این، دینی است که نسبت به زادگاهمان داریم و باید به جا بیاریم.»



روستایی که دکتر می‌سازد

درباره روستای ایرانی که به دلیل جمعیت بالای ساکنانش با تحصیلات پزشکی، معروف است

گزارش

سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار | شهرت روستای دلارام، از آب و هوای خوش و حاصلخیزی خاک و پرباری باغ‌ها و گردوهای درشت نیست؛ حتی از آن درخت گردوی قدیمی شهسوار میانش هم نیست. شهرت عجیب روستای «تراران بالا» یا همان «دلارام» در ۶کیلومتری شهرستان تفرش، استان مرکزی از پزشک بودن بیش از نیمی از اهالی‌اش است. از ۱۸۰خانوار دلارامی، ۱۷۵نفرشان در تخصص‌های مختلف پزشکی مشغول به کارند؛ موضوعی که این روزها در شبکه‌های اجتماعی بسیار طرفدار پیدا کرده است.



پزشکان کوچیده و روستای خالی

حالا از آن جمعیت ۵۰۰و خرده‌ای نفری روستای دلارام که سال ۱۳۹۵ مأموران سرشماری عمومی نفوس و مسکن شمرده و ثبت کرده بودند، کمتر از ۱۰۰نفر باقی مانده‌اند. بسیاری به شهر و کشورهای دیگر و تعدادی نیز به دیار ابدی مهاجرت کرده‌اند؛ اینها را حسن گنجعلی، یکی از ساکنان قدیمی دلارام می‌گوید که از گذشته‌های شلوغ دلارام، خاطره کم ندارد: «الان اگه بیای کل روستا رو بگردی ۱۰تا بچه هم پیدا نمی‌کنی. جوونا رفتن. بازم می‌رن. از وقتی درس و دانشگاه دکتری‌شون شروع می‌شه، می‌رن...» حاصل ۵۱سال زندگی مشترک حسن با دختر عمویش، بلقیس، ۲پسر است؛ محمد، دندانپزشک و مهدی، متخصص داخلی: «...پسرا منم رفتن. هر سال پاییز دست تنها گردو از درختا باغم می‌تکونم. یه وقتا که دلم از خلوتی روستا می‌گیره، به‌خودم می‌گم اینا برا درس، کوچ کردن نه برا کارای ناجور. صدقه سر اینا است که روستامون اسم و رسم خوب داره.»

کوچه‌ها، نام ساکنان رفته را صدا می‌زنند

عباس کریمی از دیگر اهالی دلارام هم، حرف حسن را اینگونه تأیید می‌کند: «هر کی، نوشته تابلوی ورودی روستا رو می‌خونه بالا سرش یه علامت سؤال گنده درست می‌شه؛ دهکده پزشکان؟! یعنی چی؟» کنجکاوی آنها که کمی بعد از خواندن نوشته تابلوی ورودی روستا، قدم به دلارام می‌گذارند برای عباس و باقی اهالی، تازگی ندارد: «هرقدر سؤالاشون تکراری باشه، ما مهمون‌نوازتریم.» حالا کمی از سؤال‌های تکراری مسافران کنجکاو می‌گوید: «روستاتون پزشک‌پروره، مگه چی داره که هر کی توش چشم باز کرده دکتر شده؟ دکترزایی از خاک دلارامه یا از خون دلارامیا؟ گردوخیزید یا دکترخیز، تو ژنتون پزشک‌زایی دارید؟ پس یعنی دکتر شدن اینجا جبر جغرافیاییه یا شاید هم اجبار فرهنگی؟» سؤال برانگیزتر از نوشته تابلوی ورودی دلارام، اسامی مکتوب بر تابلوی هر یک از معابر آن است؛ کوچه «پروفسور قدرت‌الله پارسا»، «دکتر مهدی کریمی‌زند»، «دکتر فاطمه شهسوار». عباس به دلارام تعلق خاطر بسیار دارد: «فکر نکنید دکتر کم داریما؛ نه... کوچه و خیابون دیگه‌ای نداریم که بتونیم اسم تازه دکترای دلارام رو، روشون بذاریم.» او تاکید دارد که پزشکان دلارام، همه بومی دلارامند: «بعضیا میگن چون اینجا خوش آب و هواست، واسه همین آدمایی که دستشون به دهنشون می‌رسه مثل پزشکا، میان اینجا خونه یا ویلا اجاره می‌کنن و می‌خرن... این حرفا، شایعه است.» سررشته گفت‌وگو به‌دست زهرا گنجعلی، دهیار دلارام می‌رسد: «در محدوده مسکونی این روستا بیش از ۵۰معبر واقع شده است.» او چگونگی اولویت‌بندی و ترتیب نامگذاری معابر دلارام را ناگفته نمی‌گذارد: «گذرگاه‌ها و میدانگاه‌های اصلی با نام پزشکان بزرگ و پیشگام در حوزه‌های تخصصی پزشکی که زادگاهشان دلارام است، تابلو کوبی شده‌اند. دسترسی‌های فرعی نیز به نام دیگر پزشکان دلارامی است.»

تقلید علمی و افتخار روستایی



خانم دهیار، مانند تعداد انگشت‌شماری از اهالی دلارام تمایلی به تحصیلات و کسب‌وکار مرتبط با پزشکی نداشته و هنوز هم ندارد: «دلیلش ساده است، چون پزشکی دوست نداشتم. از ابتدا ترجیحم انجام فعالیت‌های اجتماعی بوده‌است.» از هم‌رنگ جماعت پزشک نشدن می‌گوید: «خودمان پزشک نشدیم ولی بعضی از اعضای خانواده و اقوامان پزشک هستند. اینکه شرایط تحصیلی یا کاری‌ام، متفاوت از اکثریت دلارامی‌هاست، خیلی وضعیت سخت و پیچیده‌ای نیست. البته پیش آمده که در دوره نوجوانی‌ام گاهی یک کم سرزنش شوم.» گنجعلی به این پرسش‌ها که اهالی دلارام از چه زمان و چرا پی پزشک‌شدن رفته و هنوز هم نسل‌های جوانشان مشتاق رشته پزشکی هستند، پاسخ می‌دهد: «از قدیم اهالی روستای دلارام به کشاورزی و کتابت‌های اداری در حکومت‌های مختلف مشغول بوده‌اند. طبق نقل‌قول قدیمی‌ترها نخستین کسی که دنبال پزشکی رفت احتمالا پروفسور اردشیر قوام‌زاده، پدر پیوند مغز استخوان ایران است.» اردشیر قوام‌زاده، از خان‌زادگان دلارام بود که اغلب، اهالی روستا سعی داشتند مانند او رفتار و عمل کنند. این را صادق زندی یکی دیگر از دلارامی‌ها می‌گوید و ادامه می‌دهد: «اون زمون... حدود ۷۰تا ۸۰سال قبل، همه دلشون می‌خواست مثل اردشیرخان جوان باشن. سواد داشت و اون موقع‌ها سواد، کمیاب بود. اون، هر کاری می‌کرد، ازش الگو برمی‌داشتن. شاید هم پزشکی خوندن بچه‌های ما به‌خاطر همون الگوبردار باشه.» فرزندان صادق نیز پزشک هستند؛ ادختر و ۲پسر که همگی تخصص اطفال دارند.